

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید

جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای

اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی

گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی

جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل

و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت

حکومت اسلامی در ایران

- دست و پنجه نرم کردن کارگران سیستان و بلوچستان با بیکاری و افزایش افسارگسیخته هزینه‌های معیشت، درمان و اجاره مسکن زیر سایه بی خیالی صاحب منصبان

- یاسر احمدی نژاد همکار زندانی ما می‌بایست فوراً آزاد شود!

- تداوم بی‌خبری از سرنوشت هیرش شریفیان، کودک اهل کامیاران

- فروغ خسروی، معلم اهل بهبهان، از آموزش و پرورش اخراج شد

- حکم انضباطی سنگین علیه دانشجویان دانشگاه سوره؛ دست‌کم چهار دانشجو حکم بدوی اخراج دریافت کردند!

- تعلیق دست کم ۸ دانشجو دانشگاه علم و صنعت بدون برگزاری حتی یک جلسه رسمی کمیته انضباطی!

- تداوم فشارهای قضایی بر فعالان صنفی معلمان؛ گشایش پرونده‌ای جدید علیه معلم در بند، مسعود فرهیخته

- تمدید قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی برای سومین ماه متوالی

- تداوم بازداشت موقت محمدعلی زحمتکش/ فعال صنفی معلمان فارس همچنان بلا تکلیف است

- ممانعت از اعزام درمانی علی احمدی

- واکنش توماج صالحی به احکام اعدام متهمان پرونده اکباتان

- حقیقتی که زیر غبار جنگ و هیاهوی خبرها فراموش شد

- مبارزات سازمان‌یافته موفق کارگران ورزشگاه سوفای لس‌آنجلس؛ عقب‌نشینی کارفرما در آستانه جام جهانی فوتبال

- کارگران کره جنوبی در برابر هوش مصنوعی و نابرابری مزدی

- تداوم بازی با جان کارگران بعنوان سپر انسانی در پروژه های تحت شرایط جنگی و ابزار بازسازی واحدهای آسیب دیده توسط قرارگاه خاتم و مدیریت چپاولگر نفت!

- جان باختن یک کودک 8 ساله بر اثر گیر کردن سرش در بالابر یک کارگاه کیف دوزی و کیف فروشی مشهد

*دست و پنجه نرم کردن کارگران سیستان و بلوچستان با بیکاری و افزایش افسارگسیخته هزینه‌های معیشت، درمان و اجاره مسکن زیر سایه بی‌خیالی صاحب منصبان

جنگ، گرانی و رکود اقتصادی، فشار مضاعفی بر کارگران سیستان و بلوچستان وارد کرده است. استانی که به گفته فعالان کارگری، بسیاری از کارگرانش حتی شغل دوم هم ندارند و حالا با موج تعدیل نیرو، افزایش افسارگسیخته هزینه‌های معیشت، درمان و اجاره مسکن، زندگی برایشان دشوارتر از همیشه شده است.

در روزهایی که تبعات جنگ تحمیلی اخیر و التهابات اقتصادی بازار، زندگی بسیاری از خانوارهای کشور را تحت تأثیر قرار داده، کارگران سیستان و بلوچستان بیش از سایر اقشار درگیر بحران معیشتی شده‌اند. کارگرانی که نه از امنیت شغلی برخوردارند، نه درآمدشان با تورم همخوانی دارد و نه توان تأمین هزینه‌های درمان، اجاره مسکن و حتی رفت‌وآمد روزانه را دارند.

کارگرانی که هر روز فقیرتر می‌شوند

روز چهارشنبه 20 خرداد، شماری از کارگران روزمزد و نیروهای خدماتی و شرکتی در گفت‌وگو با خبرنگار رسانه ای از شرایط دشوار معیشتی خود خبر می‌دهند.

یکی از کارگران ساختمانی در زاهدان می‌گوید: قبلاً اگر یک هفته کار نمی‌کردیم می‌شد زندگی را جمع کرد، اما الان حتی یک روز بیکاری هم خانواده را به بحران می‌کشانند. قیمت برنج، روغن، گوشت و کرایه خانه هر روز بالا می‌رود اما درآمد ما ثابت مانده است.

نارویی که نیروی قراردادی یک شرکت خصوصی است، می‌گوید: پس از کاهش فعالیت شرکت محل کارم، عملاً بیکار شده‌ایم به ما گفتند شرایط اقتصادی خراب است و فعلاً نیرویی نمی‌خواهیم. حتی گفتند بروید هر جا می‌توانید کار پیدا کنید چون شرکت توان پرداخت حقوق ندارد.

به گفته او، چندین نفر از نیروهای همان شرکت خصوصی طی هفته‌های اخیر تعدیل شده‌اند و بسیاری از آن‌ها هنوز موفق به پیدا کردن شغل جدید نشده‌اند.

یکی دیگر از کارگران که پیش‌تر با خودروی شخصی در تاکسی‌های اینترنتی فعالیت می‌کرد، می‌گوید: کمبود بنزین و گرانی هزینه‌ها باعث شده کار در اسنپ هم دیگر صرف نکند.

به جای لقمه‌ای نان شرمندگی برای زن و بچه‌ام می‌برم

در گوشه و کنار زاهدان، کارگران روزمزدی که هر صبح در میدان‌ها و چهارراه‌ها منتظر پیدا شدن یک کار چندساعته می‌مانند، این روزها بیش از همیشه نگران تأمین نان شب خانواده‌هایشان هستند.

رحمان، یکی از کارگران حاضر در گذر میدان امام علی زاهدان، می‌گوید: حدود دو ماه است هر روز ساعت 6 صبح پیاده به اینجا می‌آیم و چندین ساعت منتظر می‌مانم شاید کسی کارگر بخواهد، اما فایده‌ای ندارد. با این وضعیت گرانی، کسی کاری انجام نمی‌دهد که کارگر بخواهد. همه کسب‌وکارها خوابیده است.

او با صدایی آمیخته به خستگی و شرمندگی ادامه می‌دهد: این روزها به جای اینکه لقمه‌ای نان به خانه ببرم، شرمندگی برای زن و بچه‌ام می‌برم.

این کارگر روزمزد می‌گوید از اواخر سال گذشته تاکنون کار ثابت و قابل قبولی پیدا نکرده و هیچ‌گونه حمایت معیشتی نیز دریافت نکرده است. به گفته او، بسیاری از کارگران روزمزد نه بیمه دارند و نه مشمول بیمه بیکاری می‌شوند.

رحمان می‌گوید: یارانه معیشتی هم به من تعلق نگرفت چون مدارک کامل نبود. ما نه بیمه داریم، نه وام، نه پشتوانه‌ای. وقتی بیمه نباشیم، بیمه بیکاری هم شامل حالمان نمی‌شود و این روزها هم کارفرمایی نیست که هوای کارگر را داشته باشد.

شکایت کردن هم یادمان رفته است

بولاغ، یکی دیگر از کارگران روزمزد در محدوده پنج‌راه باباییان زاهدان نیز از روزهای سخت معیشتی خانواده‌اش می‌گوید: امسال عیدی نداشتیم، چون سفره‌هایمان خالی بود؛ نه کاری بود و نه پولی.

او که سه فرزند دارد، می‌گوید: خرج یک روز بچه‌هایم کمتر از یک میلیون نمی‌شود. با این وضعیت بیکاری فقط خدا می‌تواند به دادمان برسد.

این کارگر که پیش‌تر به صورت قراردادی در شهرداری مشغول به کار بوده، می‌گوید به دلیل مشکلات مالی تعدیل شده است: گفتند پول نداریم و بیرونم کردند. چند سال دنبال کار بودم اما به هیچ

جا نرسیدم. حالا یک سال است کارگری می‌کنم و ساعت‌ها کنار فلکه منتظر می‌مانم تا شاید کسی دنبال کارگر باشد.

او ادامه می‌دهد: آنقدر مشکلات روی سرمان ریخته که دیگر حتی یادمان رفته شکایت کنیم. فقط امیدواریم دولت فکری به حال ما بکند تا زندگی‌مان از این فلاکت بیرون بیاید.

***یاسر احمدی نژاد همکار زندانی ما می‌بایست فوراً آزاد شود!**

یاسر احمدی نژاد کارگر و نماینده مستقل کارگران ملی حفاری است که در سال‌های اخیر بخاطر پیگیری مطالبات همکاران بارها با مدیریت فاسد و پیمانکاران دزد و مفتخور نفت رودرو شد و بارها زد و بند و دزدیهای مدیران ناظر پروژه با پیمانکاران را افشا کرد.

یاسر در جریان اعتراضات همکاران ارکان ثالث ملی حفاری در سه سال گذشته با پرونده سازی حراست ملی حفاری در نهادهای امنیتی اخراج شد و هرچند زیر فشار اعتراض گسترده همکاران ارکان ثالث نفت و حمایتها و پشتیبانی‌ها به کار خود بازگشت، اما همچنان حاضر به سکوت در برابر تضییع حقوق کارگران نگردید و در نهایت از کار اخراج شد، اما او بلافاصله بعد از اخراج مجدد از کار با شرکت در آزمون دانشگاه و قبولی وکالت با هدف احقاق حقوق کارگران، بر علیه فساد ساختاری نفت اعتراضش را دنبال کرد.

یاسر احمدی نژاد در جریان اعتراضات #زن_زندگی_آزادی سال ۱۴۰۱ و از آغاز اعتراضات دیماه ۱۴۰۴، علیه رانت خواری های حاکم و سرکوبگریها همواره کنار مردم ایستاد و بخاطر همه این مبارزاتش بازداشت و هم اکنون برای دومین بار با اتهامات دروغین و ساختگی برای تحمل ۳۳ ماه حبس در زندان است.

یاسر احمدی نژاد صدای ماست!

صدای ما کارگران ملی حفاری که بارها و بارها توانستیم با خشم و اعتراضمان خیابان مقابل ساختمان اداری شرکت را ببندیم و ما کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری که در سال گذشته بزرگترین اعتراضات و راهپیمایی پس از سال ۵۷ را در تهران و عسلویه رقم زدیم و ما کارگران رسمی و غیر رسمی و پروژه ای که هر بار اراده کرده ایم، بخش‌های مختلف نفت را به تعطیلی کشانده ایم!

ما کارگران نفت که این روزها زیر سایه جنگ و در اوج هرج و مرج و دزدیها و فساد در کل ساختار به ویژه در نفت، جانمان در برابر مزدی ناچیز قربانی جنگ افروزی و زیاده خواهی عده ای مفتخور در اقلیت است اعلام میکنیم در برابر این حجم از سرکوب و اعدام و بگیر و ببند زندانی کردن همکاران و مردم معترض و تحت ستم سکوت نمیکنیم و با امضای این بیانیه خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط یاسر احمدی نژاد، همه کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان و همه دستگیر شدگان معترض دیماه و پس از آن هستیم و از همه بخش های کارگری و بویژه کارگران شاغل در نفت میخواهیم که همگی دست در دست هم با کارزاری سراسری برای آزادی این عزیزان به میدان بیاییم.

پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵

-شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

-شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)

***تداوم بی‌خبری از سرنوشت هیرش شریفیان، کودک اهل کامیاران**

با گذشت شش روز از بازداشت هیرش شریفیان، کودک اهل روستای پالنگان از توابع شهرستان کامیاران، همچنان هیچ اطلاع موثقی از وضعیت، محل نگهداری و شرایط او در دسترس خانواده‌اش قرار نگرفته است.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، بامداد شنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۵ نیروهای وزارت اطلاعات با یورش به منزل خانوادگی هیرش شریفیان و شکستن در ورودی خانه، قصد بازداشت وی را داشتند. با این حال، به دلیل حضور نداشتن او در منزل، این اقدام در آن زمان عملی نشد. نیروهای امنیتی پس از این یورش، از خانواده او خواستند که فرزندشان در اسرع وقت خود را به ستاد خبری اداره اطلاعات کامیاران معرفی کند.

با وجود گذشت چندین روز از این رویداد، خانواده هیرش شریفیان همچنان از سرنوشت و محل نگهداری او بی‌اطلاع هستند و نگرانی‌ها درباره وضعیت این کودک افزایش یافته است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز نگرانی عمیق نسبت به بازداشت و ناپدیدسازی کودکان و نوجوانان، بر ضرورت رعایت حقوق بنیادین کودکان، اطلاع‌رسانی فوری به خانواده و دسترسی آنان به اطلاعات روشن درباره وضعیت فرزندشان تأکید می‌کند. تداوم بی‌خبری از سرنوشت افراد بازداشت‌شده، به‌ویژه کودکان، نقض آشکار اصول انسانی و حقوق کودک است و باید هرچه سریع‌تر آزاد شود.

***فروغ خسروی، معلم اهل بهبهان، از آموزش و پرورش اخراج شد**

فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی اهل بهبهان و شاغل در مدارس آغاچاری، با حکم «لغو پیمان» از آموزش و پرورش اخراج شده است. این در حالی است که وی پیش‌تر به چهار ماه انفسال موقت از خدمت محکوم شده بود.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، آموزش و پرورش آغاچاری حکم چهار ماه انفسال از خدمت این معلم را به «لغو پیمان» تبدیل کرده است. یک منبع آگاه در این‌باره اعلام کرده است که روند اخراج خانم خسروی بدون طی مراحل قانونی و با فشار نهادهای امنیتی صورت گرفته و این تصمیم تنها بر اساس یک نامه محرمانه اتخاذ شده است؛ نامه‌ای که به گفته این منبع، حتی از ارائه آن به خود این معلم نیز خودداری شده است. همچنین در حکم کارگزینی جدید وی، عبارت «لغو پیمان» درج شده که به معنای پایان همکاری او با آموزش و پرورش است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اخراج خسروی را به‌شدت محکوم می‌کند. محروم کردن معلمان از حق اشتغال و امنیت شغلی از طریق سازوکارهای غیرشفاف و با مداخله نهادهای امنیتی، نقض آشکار حقوق حرفه‌ای و شهروندی فرهنگیان است. برخوردهای تنبیهی با معلمان، فضای آموزشی کشور را بیش از پیش از امنیت، آزادی و پویایی تهی می‌سازد. این شورا

خواستار لغو این حکم، بازگشت بی‌قید و شرط این معلم به محل کار خود و پایان دادن به روند فزاینده فشارها و برخوردهای امنیتی علیه معلمان و فعالان صنفی است.

***حکم انضباطی سنگین علیه دانشجویان دانشگاه سوره؛ دست‌کم چهار دانشجو حکم بدوی اخراج دریافت کردند!**

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، احکام بدوی کمیته انضباطی دانشجویان دانشگاه سوره صادر شده است.

حدود ۲۲ دانشجو از سوی کمیته انضباطی با احکام سنگینی مواجه شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ۴ حکم اخراج و نیز احکام یک تا دو ترم محرومیت از تحصیل اشاره کرد.

همچنین، بنا بر گزارش‌ها، حکم دو ترم محرومیت از تحصیل برخی دانشجویان، مشروط به «همکاری با معاونت فرهنگی»، به یک ترم کاهش یافته است.

همچنین جدای از احکام انضباطی (۲۲ نفر)، از بسیاری از دانشجویان تعهد کتبی مبتنی بر «همکاری با معاونت فرهنگی» اخذ شده است.

***تعلیق دست کم ۸ دانشجو دانشگاه علم و صنعت بدون برگزاری حتی یک جلسه رسمی کمیته انضباطی!**

به گزارش کارگروه دفاع از حقوق دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، دست کم ۶ دانشجو با حکم بدوی کمیته انضباطی دانشگاه به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده‌اند.

همچنین به ۲ دانشجوی دیگر نیز به صورت شفاهی یک ترم محرومیت از تحصیل ابلاغ شده است و درحالی که صفحه گلستان این دانشجویان بسته شده هیچ حکم کتبی برای آنها صادر نشده است.

این علاوه بر دانشجویانی است که در پی این موج صدور احکام به توبیخ کتبی محکوم شدند. گفتنی است همچنان تعداد بیشتری از دانشجویان با وجود اتمام ترم از دسترسی به سامانه گلستان خود محرومند.

در شرایط فعلی اما کمیته انضباطی دانشگاه بدون برگزاری جلسات دفاعیه و به شکل خودسرانه اقدام به اخذ دفاعیات از طریق ایمیل و در بسیاری از موارد بدون تفهیم دقیق اتهامات و اطلاع رسانی درخصوص محتویات پرونده‌ها برای دست کم ۱۶ دانشجو حکم صادر کرده است.

***تداوم فشارهای قضایی بر فعالان صنفی معلمان؛ گشایش پرونده‌ای جدید علیه معلم در بند، مسعود فرهیخته**

بر اساس گزارش‌های دریافتی، مسعود فرهیخته، فعال صنفی معلمان، که از ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ در پی تأیید حکم صادره از سوی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان البرز، دوران محکومیت سه سال و شش ماه و یک روز حبس خود را در زندان مرکزی کرج سپری می‌کند، با پرونده‌سازی جدیدی مواجه شده است.

این فعال صنفی که تاکنون از حق مرخصی نیز محروم مانده، همزمان با تحمل دوران حبس، با گشایش دو پرونده جدید از سوی نهادهای قضایی روبه‌رو شده است و مقرر است روز هفتم تیرماه در شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار بگیرد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، تداوم پرونده‌سازی و اعمال فشارهای قضایی علیه فعالان صنفی را محکوم می‌کند. پیگیری مطالبات صنفی و دفاع از حقوق معلمان و آموزش عمومی، فعالیت مدنی و قانونی است و نباید با برخوردهای امنیتی و قضایی مواجه شود. این شورا ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت مسعود فرهیخته و سایر فعالان صنفی دربند، خواستار توقف پرونده‌سازی‌ها، رعایت حقوق قانونی زندانیان و پایان دادن به برخوردهای امنیتی با کنشگران صنفی و مدنی است.

***تجدید قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی برای سومین ماه متوالی**

بر اساس گزارش‌های دریافتی، قرار بازداشت سیامک صادقی چهارزی، فعال صنفی معلمان استان خوزستان، برای سومین ماه متوالی تمدید شده است.

آقای صادقی چهارزی که در جریان موج اخیر بازداشت فعالان صنفی بازداشت شده است، همچنان در بازداشت به سر می‌برد و با وجود گذشت بیش از دو ماه از زمان بازداشت، از آزادی وی جلوگیری شده است.

تجدید مکرر قرار بازداشت موقت در حالی صورت می‌گیرد که خانواده، همکاران و فعالان صنفی نسبت به تداوم بلاتکلیفی قضایی وی ابراز نگرانی کرده‌اند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با محکومیت ادامه بازداشت طولانی‌مدت فعالان صنفی بدون تعیین تکلیف پرونده، نگرانی خود را درباره نقض حقوق متهمان و فشار بر آنها از طریق استفاده گسترده از بازداشت موقت را اعلام می‌دارد.

***تداوم بازداشت موقت محمدعلی زحمتکش/ فعال صنفی معلمان فارس همچنان بلاتکلیف است**

محمدعلی زحمتکش، فعال صنفی معلمان استان فارس، از فروردین‌ماه سال جاری تاکنون در بازداشت موقت به سر می‌برد و همچنان در وضعیت بلاتکلیف قرار دارد.

با گذشت چند ماه از زمان بازداشت، هنوز اطلاع روشنی از روند رسیدگی به پرونده و وضعیت نهایی وی منتشر نشده است. ادامه بازداشت موقت و بلاتکلیفی این فعال صنفی، نگرانی خانواده، همکاران و فعالان صنفی را افزایش داده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران خواستار پایان دادن به بازداشت‌های طولانی‌مدت، رعایت حقوق قانونی بازداشت‌شدگان و آزادی فعالان صنفی زندانی است.

***ممانعت از اعزام درمانی علی احمدی**

بر اساس گزارش‌های دریافتی، علی احمدی، فعال صنفی بازنشسته و زندانی محبوس در زندان عادل‌آباد شیراز، با وجود ابتلا به بیماری‌های متعدد از جمله مشکلات قلبی و نیاز فوری به عمل جراحی چشم، همچنان از دسترسی به خدمات درمانی تخصصی محروم مانده است.

طبق این گزارش، برای آقای احمدی نوبت عمل چشم در تاریخ ۲۰ خردادماه تعیین شده بود، اما با وجود درخواست‌های مکرر خانواده و ارائه پیشنهادهای مختلف برای تأمین وثیقه و انتقال تحت نظارت مأموران، تاکنون مجوز اعزام درمانی وی صادر نشده است.

این فعال صنفی ۷۶ ساله که اسفندماه سال گذشته بازداشت شد، در ماه‌های اخیر با مشکلات جسمی متعددی دست‌وپنجه نرم کرده و ادامه محرومیت وی از درمان، نگرانی‌های جدی درباره وضعیت سلامت او را افزایش داده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت تداوم بازداشت این معلم بازنشسته تأکید دارد که محروم کردن زندانیان از دسترسی به خدمات درمانی و مراقبت‌های پزشکی، برخلاف اصول شناخته‌شده حقوق زندانیان و حق برخورداری از درمان است.

***واکنش توماج صالحی به احکام اعدام متهمان پرونده اکباتان**

توماج صالحی، که خود سابقه بازداشت و مواجهه با حکم اعدام را داشته است، به صدور حکم اعدام برای چهار متهم پرونده اکباتان واکنش نشان داد و این احکام را «ناعادلانه» و «ضدبشری» خواند. او تأکید کرد که «شرافت ما حکم می‌کند در برابر این بی‌عدالتی بایستیم».

توماج نوشت که این یادداشت را در شرایطی منتشر می‌کند که فشار بر جامعه مدنی بیش از گذشته افزایش یافته است.

او در ادامه با اشاره به جنبش «زن، زندگی، آزادی» نوشت که این جنبش برای عدالت، آزادی و کرامت انسانی افزود که هنوز شماری از بازداشت‌شدگان در زندان هستند.

توماج سپس از میلاد آرمون، نوید نجاران، مهدی ایمانی و محمدمهدی حسینی نام برد و با تأکید بر ارزش جان انسان‌ها نوشت: «بعد از شرافت، هیچ چیز باارزش‌تر از جان انسان نیست» و بار دیگر خواستار ایستادگی در برابر آنچه «بی‌عدالتی» خواند، شد.

واکنش توماج صالحی پس از آن مطرح شد که خبر صدور حکم اعدام برای این چهار متهم پرونده اکباتان منتشر شد؛ احکامی که پیشتر دیوان عالی کشور حکم اعدام متهمان این پرونده را نقض کرده بود.

نه_به_اعدام

برگرفته از کانال ندای زنان ایران

***حقیقتی که زیر غبار جنگ و هیاهوی خبرها فراموش شد**

سیدطه موسوی مرتضوی؛ معلم

بیش از سه ماه از حادثه‌ای می‌گذرد که در راهروی یک مدرسه و در برابر چشمان دانش‌آموزان رخ داد؛ حادثه‌ای که در آن یک معلم در محیط رسمی آموزشی مورد برخورد فیزیکی قرار گرفت و به گفته پزشکی قانونی دچار آسیب جسمانی شد.

در روزهای نخست انتشار فیلم این واقعه، افکار عمومی و جامعه فرهنگیان خواهان روشن شدن حقیقت و برخورد مسئولانه با موضوع بودند. اما تنها چند روز بعد، با آغاز جنگ و تحولات گسترده، توجه افکار عمومی از این ماجرا منحرف شد و پرونده‌ای که می‌توانست به فرصتی برای دفاع از شأن معلم تبدیل شود، زیر سایه رویدادهای بزرگتر قرار گرفت.

در تمام این مدت، مطالبه اصلی اینجانب نه انتقام بوده و نه برخوردهای احساسی؛ بلکه یک خواسته ساده و روشن داشته‌ام: پذیرش مسئولیت و عذرخواهی رسمی در قبال حادثه‌ای که در محیط آموزشی و در ارتباط با عوامل وابسته به مجموعه آموزش و پرورش رخ داده است.

اخیراً ریاست آموزش و پرورش شهرستان عنبرآباد طی تماس تلفنی با اینجانب ابراز همدردی و دلجویی کردند که این اقدام قابل تقدیر است، اما پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ چرا با وجود گذشت ماه‌ها از حادثه، هنوز هیچ عذرخواهی رسمی از سوی مجموعه آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان یا وزارت آموزش و پرورش صورت نگرفته است؟

پرسش مهم‌تر آن است که چگونه معلمی که در این حادثه آسیب دیده، برای او پرونده قضایی به عنوان شاکی تشکیل شده، نظریه پزشکی قانونی به نفع او صادر شده و همچنان در حال پیگیری حقوق قانونی خود است، اکنون باید در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری نیز پاسخگو باشد؟

آیا پیام چنین اقدامی برای جامعه فرهنگیان این است که معلمی که مورد آسیب قرار می‌گیرد، باید علاوه بر تحمل آثار حادثه، در معرض تعقیب اداری نیز قرار بگیرد؟

اگر هدف از تشکیل پرونده در هیأت تخلفات، کشف حقیقت و بررسی همه‌جانبه ماجراست، این موضوع باید با نهایت بی‌طرفی و عدالت انجام شود. اما اگر نتیجه آن باشد که معلم آسیب‌دیده نیز در جایگاه متهم قرار گیرد، طبیعی است که پرسش‌های جدی در ذهن فرهنگیان و افکار عمومی شکل بگیرد.

مسئله امروز تنها یک پرونده شخصی نیست. موضوع به شأن معلم، امنیت محیط مدرسه و مسئولیت‌پذیری مدیران در قبال حوادثی بازمی‌گردد که در محیط رسمی آموزش و پرورش رخ می‌دهد.

امروز پس از گذشت ماه‌ها، همچنان این پرسش پابرجاست:

چرا به جای یک عذرخواهی رسمی و شفاف، معلم آسیب‌دیده به هیأت تخلفات اداری معرفی شده است؟

چرا مسئولیت سازمانی حادثه‌ای که در محیط آموزشی رخ داده، همچنان مورد پذیرش قرار نگرفته است؟

و چرا وزارت آموزش و پرورش و مسئولان ذی‌ربط تاکنون توضیح روشنی به جامعه فرهنگی ارائه نکرده‌اند؟

اینجانب ضمن ادامه پیگیری موضوع از مسیرهای قانونی، بار دیگر درخواست خود را به صورت شفاف اعلام می‌کنم:

از مجموعه آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان و وزارت آموزش و پرورش انتظار دارم نسبت به این حادثه موضعی شفاف اتخاذ کرده و با یک عذرخواهی رسمی، در جهت حفظ شأن معلمان، ترمیم اعتماد آسیب‌دیده و پاسداشت حرمت نظام تعلیم و تربیت گام بردارند.

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی ایران

***مبارزات سازمان‌یافته موفق کارگران ورزشگاه سوفای لس‌آنجلس؛ عقب‌نشینی کارفرما در آستانه جام جهانی فوتبال**

در آستانه مسابقات جام جهانی فوتبال 2026 در ایالات متحده آمریکا باقی مانده، مبارزات سازمان‌یافته کارگران ورزشگاه سوفای لس‌آنجلس به یک موفقیت مهم دست یافت. پس از هفته‌ها تنش و تهدید به اعتصاب، اتحادیه کارگران خدماتی موفق شد کارفرما را به پذیرش یک توافق اولیه وادار کند.

بیش از دو هزار کارگر شاغل در بخش‌های پذیرایی، فروش مواد غذایی، آشپزخانه، خدمات و بارهای ورزشگاه سوفای که تحت پوشش اتحادیه «یونایتد هیر لوکال 11» فعالیت می‌کنند، در روزهای گذشته با اکثریت قاطع 96 درصدی به اعتصاب رأی داده بودند. قرارداد قبلی این کارگران با شرکت «لجندز هاسپیتالیتی» به پایان رسیده بود و مذاکرات برای انعقاد قرارداد جدید به بن‌بست رسیده بود. کارگران خواهان افزایش دستمزدها، جلوگیری از برون‌سپاری مشاغل، تضمین امنیت شغلی و مقابله با تأثیرات اتوماسیون بر اشتغال بودند.

اعلام آمادگی برای اعتصاب درست یک هفته پیش از نخستین مسابقه جام جهانی در این ورزشگاه، فشار سنگینی بر برگزارکنندگان مسابقات و شرکت بهره‌بردار وارد کرد. ورزشگاه سوفای قرار است میزبان هشت مسابقه جام جهانی، از جمله دیدار افتتاحیه تیم ملی آمریکا و چند مسابقه حذفی باشد. اتحادیه هشدار داده بود که جایگزینی کارگران اعتصابی به دلیل الزامات امنیتی و بررسی سوابق کارکنان در طول جام جهانی عملاً بسیار دشوار خواهد بود.

سرانجام در 9 ژوئن، اتحادیه و شرکت بهره‌بردار به یک توافق اولیه دست یافتند. بر اساس اعلام اتحادیه، این توافق شامل افزایش قابل توجه دستمزدها، محدودیت برون‌سپاری مشاغل، ایجاد برخی حمایت‌ها در برابر جایگزینی نیروی کار با فناوری‌های خودکار و همچنین تضمین‌های بیشتری درباره حریم خصوصی و امنیت کارکنان در جریان رویدادهای بزرگ ورزشی است. قرارداد جدید در صورت تصویب اعضای اتحادیه تا سال 2028 اعتبار خواهد داشت.

یکی از نکات قابل توجه این مبارزه، پیوند مطالبات شغلی با دغدغه‌های اجتماعی بود. اتحادیه کارگران علاوه بر مطالبات شغلی و معیشتی، نسبت به حضور مأموران مهاجرت در محل مسابقات و

تأثیر آن بر امنیت کارکنان مهاجر نیز اعتراض کرده بود. نمایندگان کارگران تأکید داشتند که هیچ کارگری نباید هنگام انجام وظیفه نگران بازداشت یا جدایی از خانواده خود باشد.

تجربه ورزشگاه سوفای بار دیگر نشان داد که حتی در بزرگترین رویدادهای ورزشی جهان نیز موفقیت برگزارکنندگان به کار هزاران کارگر خدماتی وابسته است؛ کارگرانی که بدون سازمان‌یابی و اقدام جمعی، سهمی از درآمدهای میلیارد دلاری این رویدادها نخواهند داشت. توافق اخیر را می‌توان نمونه‌ای از تأثیر فشار جمعی و قدرت تشکلیابی کارگران در دفاع از حقوق شغلی – معیشتی و اجتماعی دانست.

***کارگران کره جنوبی در برابر هوش مصنوعی و نابرابری مزدی**

در حالی که کره جنوبی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای صنعتی و فناوری جهان شناخته می‌شود، موج تازه‌ای از اعتراضات و اعتصابات‌های کارگری نشان می‌دهد که رشد اقتصادی و جهش فناوری الزاماً به بهبود وضعیت نیروی کار منجر نمی‌شود. در هفته‌های اخیر، کارگران صنایع فلزی و فناوری این کشور با برگزاری تجمع‌ها و اعلام اعتصاب، خواستار امنیت شغلی، توزیع عادلانه‌تر سود و تضمین حقوق کارگری شده‌اند.

/اعتصاب سراسری کارگران فلزکار در راه است

اتحادیه فلزکاران کره جنوبی اعلام کرده است که در 15 ژوئیه اعتصاب سراسری برگزار خواهد کرد. این اتحادیه که حدود 180 هزار کارگر صنایع خودروسازی، کشتی‌سازی و فولاد را نمایندگی می‌کند، نسبت به گسترش هوش مصنوعی و رباتیک در خطوط تولید هشدار داده و خواستار تضمین اشتغال کارگران شده است. رهبران اتحادیه معتقدند که شرکت‌ها در حال بهره‌برداری از فناوری‌های جدید بدون ارائه تضمین‌های لازم برای حفظ مشاغل هستند. همچنین اصلاح نظام مذاکرات مزدی و کاهش شکاف درآمدی از دیگر مطالبات این اتحادیه است. حدود ده هزار فعال و رهبر کارگری نیز در سنول برای حمایت از این اعتصاب تجمع کرده‌اند.

/کارگران فناوری نیز به میدان آمده‌اند

همزمان با اعتراضات کارگران صنعتی، کارگران شرکت فناوری «کاکائو» – مالک بزرگترین پیام‌رسان کره جنوبی – نیز دست به اعتصاب زده‌اند. هزاران عضو اتحادیه این شرکت خواهان اصلاح نظام پاداش‌ها، افزایش سهم کارکنان از سود شرکت و تضمین امنیت شغلی هستند. آنان معتقدند در سال‌های اخیر مدیران ارشد از افزایش قابل توجه پاداش‌ها بهره‌مند شده‌اند، در حالی که سهم کارکنان عادی از رشد درآمد شرکت بسیار ناچیز بوده است.

اعتصاب چهار ساعته اخیر نخستین اقدام بزرگ کارگران کاکائو به شمار می‌رود و اتحادیه این شرکت اعلام کرده است که در صورت بی‌نتیجه ماندن مذاکرات، اعتصاب عمومی گسترده‌تری در پایان ماه ژوئن برگزار خواهد شد.

/سهم کارگران از رونق هوش مصنوعی

بخش مهمی از نارضایتی‌های کارگری در کره جنوبی به نحوه توزیع منافع ناشی از رونق جهانی هوش مصنوعی بازمی‌گردد. در حالی که شرکت‌های بزرگ فناوری و تولیدکنندگان تراشه سودهای بی‌سابقه‌ای کسب کرده‌اند، کارگران خواهان مشارکت عادلانه‌تر در این دستاوردها هستند. این مسئله در شرکت سامسونگ نیز به یکی از محورهای اصلی اختلاف میان کارگران و مدیریت تبدیل شده و ده‌ها هزار کارگر این شرکت طی ماه‌های گذشته تهدید به اعتصاب کرده‌اند.

نشانه‌های یک تحول بزرگ

آنچه امروز در کره جنوبی جریان دارد صرفاً مجموعه‌ای از اختلافات مزدی نیست. کارگران این کشور در حال طرح پرسش‌های بنیادینی درباره آینده کار در عصر هوش مصنوعی هستند: آیا فناوری به حذف مشاغل خواهد انجامید؟ چه کسانی از سود حاصل از اتوماسیون بهره‌مند خواهند شد؟ و چگونه می‌توان امنیت شغلی و عدالت اجتماعی را در اقتصاد دیجیتال حفظ کرد؟

اعتراضات اخیر نشان می‌دهد که جنبش کارگری کره جنوبی تلاش می‌کند پاسخ این پرسش‌ها را نه در اتاق‌های هیئت‌مدیره شرکت‌ها، بلکه از طریق سازمان‌یابی، اعتصاب و مبارزه جمعی پیگیری کند. آینده این مبارزات می‌تواند تأثیر مهمی بر جنبش‌های کارگری در سراسر آسیا و حتی جهان داشته باشد.

***تداوم بازی با جان کارگران بعنوان سپر انسانی در پروژه های تحت شرایط جنگی و ابزار بازسازی واحدهای آسیب دیده توسط قرارگاه خاتم و مدیریت چپاولگر نفت!**

طبق گزارش و پیامهای متعدد همکاران به پیامگیر شورا، رؤسای پالایشگاه های سوم، چهارم و ششم پارس جنوبی و پتروشیمی های دماوند و مبین و همچنین پتروشیمی های آسیب دیده ماهشهر ضمن استفاده تبعیض آمیز از کارگران پیمانکاری در شرایط خاص جنگ، در حالی که اکثر غریب به اتفاق مدیران و کارگران رسمی همچنان مشمول استفاده از شرایط خاص دورکاری هستند، سبب اعتراض چند هزار کارگر درگیر شرایط گردیده است.

همکاران اعلام نموده اند:

در این ساعتهای هشدار جنگی توأم با گرمای کشنده روزهای پایانی خرداد و منتهی به تیر با توجه به آفتاب سوزان و بادهای داغ موسمی که در مناطق جنوبی به آن تش باد (باد آتشین) اطلاق میشود، کار در دمای حدود ۶۰ درجه، سبب گرمازدگی و بروز مشکلات تنفسی و قلبی- عروقی است چه رسد به شرایط کار تحمیلی و تحت فشار که این روزها از گرده ما میکشند تا به زعم خود واحدهای آسیب دیده را بدون هیچگونه پشتوانه متربال جایگزین، به بهره برداری برسانند!

صرفنظر از کشته شدن همکاران درگیر آوار برداری که البته اخبار آن پس از اتفاقات پالایشگاه ششم و پتروشیمی دماوند انرژی عسلویه، تحت سانسور شدید قرار دارد، گرمایزدگی و بیهوشی مداوم به شدت جان کارگران را تهدید می‌نماید.

این در حالی است که قرارگاه خاتم با اصرار به بازسازی واحدهای آسیب دیده و رسیدن این واحدها به بهره برداری و سود دهی نه تنها ذره ای امنیت جانی ما کارگران را در نظر ندارد بلکه با اعمال

فشار بر مدیران نفت به تداوم کار در هر شرایطی، از فراهم نمودن کمترین تمهیدات و امکانات مانند محل استراحت، غذای مناسب و حتی آب آشامیدنی در دسترس طفره رفته و هیچ برنامه ای جهت ساخت جانپناه در محیط‌های تحت خطر جنگ و یا تعلیم آموزش‌های ابتدایی دفاعی به کارگران را ندارد!...

آنچه که از مجموع پیام همکاران مشخص است این است که دیگر شرایط استفاده ابزاری از کارگران و استثمار و برده کشی از آنان در این شرایط از حدود مسئله صنفی و کارگری خارج، بازی با جان انسان‌ها بعنوان سپر انسانی در شرایط جنگی و بهره کشی از جسم و توان جسمی و نادیده گرفتن سلامت آنان بعنوان یک اقدام ضد انسانی، بعنوان مسئله ای حقوق بشری مطرح است که مسئولیت مستقیم آن به عهده پیمانکاران منتسب به قرارگاه خاتم، مدیریت نفت، روسای واحدها و مدیران ناظر بر اجرای پیمان است که مسئولیت زد و بند مستقیم و تداوم فساد و استثمار و بهره کشی از جان کارگران را بعهده دارند!

ما ضمن جلب توجه و درخواست رسیدگی از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری و کارگری، در ادامه قطعا با ذکر نام عوامل دست اندرکار بازی با جان کارگران در شرایط هرج و مرج و جنگی کنونی و فساد موجود را افشا خواهیم نمود و با پشتوانه حمایت تمامی کارگران نفت با سازماندهی اعتراضات به شرایط فساد، چپاول و استثمار و بازی با جان انسان‌ها پایان می‌دهیم.

ما همه کارگران بخش‌های مختلف نفت را در برابر شرایط ضد انسانی و تحمیلی موجود به ایستادگی و مبارزه و کمک به سازماندهی اعتراضات سراسری نفت فرامی‌خوانیم!

#نه_به_بردگی_مزدی

#نه_به_جنگ_افروزی

#نه_به_اعدام_و_سرکوب

#نه_به_قتل_عمد_کارگران_در_شرایط_کار_نا_ایمن

#اعتراضات_سراسری_نفت

#نان_کار_آزادی

#اداره_شورایی

#زن_زندگی_آزادی

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت(ارکان ثالث)

پنجشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۵

***جان باختن یک کودک 8 ساله بر اثر گیر کردن سرش در بالابر یک کارگاه کیف دوزی و کیف فروشی مشهد**

روزپنج شنبه 21 خرداد، يك كودك 8 ساله بر اثر گير كردن سر در بالابر يك كارگاه كيف دوزى و كيف فروشى مشهد در دم جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com